مبحث عطف از کتاب مبادی الکریمه

- تعریف عطف
  - بیان
    - تابعی که
      - جامد است
      - اشهر از متبوع باشد
    - که با هدف
      - ایضاح متبوع اگر متبوع معرفه باشد
      - تخصیص متبوع اگر متبوع نکره باشد
      - می آید
  - نسق
    - تابعی که بین خود و متبوعش یکی از حروف عطف فاصل می شود
      - که با هدف مشارکت دومین اسم با اولین اسم در
        - لفظ فقط
        - لفظ و معنا
        - می آید
- نکات عطف بیان
  - از نظر احکام مطابقت با متبوعش دقیقا مثل نعت حقیقی است
  - از نظر معنا و ظاهر دقیقا مثل بدل کل از کل است
  - فرق بدل با عطف بیان
    - ضمیر نه عطف بیان می شود نه برایش عطف بیان می آید
    - عطف بیان از جهت تعریف و تنکیر با متبوع خود همیشه مطابقت دارد به خلاف بدل
    - عطف بیان در نیت احلال محل متبوعش نیست بخلاف بدل

یعنی هر عطف بیانی که بتواند در مکان معطوف علیه بنشیند و از آن بی نیاز شود میتوان بدل کل از کل هم گرفت

- نکات عطف نسق
  - شرط صحت عطف
    - صحت روی آوردن عامل به معطوف است
    - معطوف فقط در اعراب از معطوف علیه تبعیت می کند
    - عطف بر ضمیر
      - متصل
        - مرفوعی — جایز نیست مگر اینکه فاصله بین ضمیر مرفوع مثل و حرف عطف باشد
        - مجروری — جایز نیست مگر عامل جر در معطوف هم تکرار شود
        - منصوبی — همه جوره جایزه
      - منفصل — همه جوره جایزه
    - عطف فعل به
      - اسم — در صورتی صحیح است که اسم تاویل به فعل برود
      - فعل — در صورتی صحیح است که در صیغه و معنا متفق باشند
    - عطف جمله به جمله — در صورتی صحیح است که هردو خبری یا انشائی باشند اما تطابق در اسمیه و فعلیه بودن واجب نیست اگرچه بهتر است رعایت شود
    - عطف در صورتی صحیح است که به یک عامل عطف شود

اگر اسمی بعد از حرف عطف قرار گرفت و این شرط را نداشت ، یک عامل مناسب با آن اسم در تقدیر گرفته و عطف را از باب عطفه جمله به جمله قرار می دهیم